

امام حسین
(علیه السلام)

وآموزه‌های دینی

دکتر احمد پاکتچی

شهریور ماه ۱۳۹۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز سخن

این سخنی است که بارها باید در مطالعه آموزه های هر یک از ائمه معصومین (علیهم السلام) بازگو کرد؛ اینکه تفکیک آموزه های آنان از یکدیگر آسان نیست و رسالت مشترکی که پی جویی می کردند، موجب می شود تا پیام ایشان در پرتو یک نگاه فراتر از اشخاص ائمه (علیهم السلام) بررسی گردد. در واقع همین مسیر مشترک باعث می شود تا گاه برخی از سخنان بیان شده توسط یکی از معصومان، از زبان دیگران نیز بازگو گردد. افزون بر آنچه ذکر شد، این حقیقت که دانسته های ما درباره آموزه های ائمه (علیهم السلام)، از خلال مجموعه روایاتی است که

هم از حیث صدور و هم دلالت نیازمند ارزیابی دقیق است، کار درباره آموزه های آنان را دشوار می سازد. اما دشواری دیگر مربوط به تعالیم امام حسین (علیه السلام)، پالایشی است که در احادیث امامیه پس از تدوین مکتب جعفری در اواسط سده ۲ ق / ۸ م رخ داده و مرویات آن حضرت در کنار دیگر ائمه متقدم به سبب بی اعتمادی نسبت به راویان در احادیث امامیه به شدت کاهش یافته است؛ و این در حالی است که منابع اهل سنت و زندیه در این باره، داده های فراوانی ندارند. به هر روی، محوریت یافتن قیام عاشورا در فرهنگ شیعی، با وجود عظمت آن نیز زمینه ای شده است تا شخصیت تعلیمی آن حضرت تحت الشعاع قیام قرار گیرد. بنابراین هر بررسی در این باره، لازم است با ارزیابی های احتیاط آمیز نسبت به روایات صورت گیرد که البته امکان باز نمود وجوه این نقد، در این مقاله مختصر نیست. اگرچه احادیث انتخاب شده، با ملاک هایی گزینش شده اند، اما همچنان اعتبارسنجی آنها مجال دیگری می طلبد.

رویکرد حضرت به توحید و عقاید:

شواهد گوناگونی وجود دارد که نشان می‌دهد در گفتمان
 اواسط سده اول هجری، مسئله رؤیت پروردگار به مثابه یک
 پرسش اعتقادی مطرح بوده است. حکایت ذعلب یمانی که از
 امام علی (علیه السلام) پرسیده بود، آیا پروردگارش را دیده است یا
 خیر (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۹)، در حدیثی به نقل امام حسین
 (علیه السلام) نیز آمده است (خزازه، ۲۶۱). اینکه حدیث امام علی
 (علیه السلام) در باب معانی اذکار اذان و تفسیر مفاهیم توحیدی
 توسط امام حسین (علیه السلام) نقل شده است (ابن بابویه، التوحید،

۲۳۸، معانی ... ، ۳۸، نیز نشانه‌ای دیگر از توجه خاص آن حضرت به مباحث توحید و اشاعه آموزه‌های علوی در این باره است. اما آنچه به شخص امام حسین (علیه السلام) مربوط می‌شود، یکی روایتی متضمن ملاقاتی سه‌سویه میان امام (علیه السلام) ، ابن عباس و نافع ابن ازرق، از رجال خوارج است که براساس آن، نافع از ابن عباس می‌خواهد معبودش را وصف کند و به درخواست ابن عباس، امام (علیه السلام) پاسخ را بر عهده می‌گیرد و وصف‌ناشدنی بودن خداوند را تبیین می‌کند (عیاشی، ۳۳۷/۲- ۳۳۸؛ ابن بابویه، التوحید، ۷۹-۸۰؛ ابن عساکر، ۱۴/۱۸۳-۱۸۴). حدیث دیگری هم از آن حضرت در مذمت «مارقین» نقل شده است که به تشبیه خداوند گراییده‌اند (ابن شعبه، ۲۴۵)؛ می‌دانیم که تعبیر مارقین در آن دوره، برای خوارج به کار برده می‌شده است و شیخ مفید هم وجود اقلیتی قائل به تشبیه را در میان خوارج تأیید کرده است (اوائل ... ، ۶۳).

براساس حدیثی از امام حسین (علیه السلام)، آن حضرت ظاهراً با تکیه بر آیه‌ای از قرآن کریم (ذاریات/۵۱/۵۶) در خصوص غرض آفرینش انسان و جن، یادآور می‌شد که «خداوند بندگان را آفریده است تا او را بشناسند؛ پس آن‌گاه که شناختند، او را عبادت می‌کنند و با عبادت او از عبادت غیر، بی‌نیازی می‌جویند» (نک: ابن بابویه، علل ...، ۹؛ کراجکی، ۱۵۱؛ حلوانی، ۱۰). در سده‌های بعد، همین آموزه بدون نامبری امام (علیه السلام) در نوشته‌های ابن عربی نیز تکرار شده است (نک: ۴۱/۳).

براساس حدیثی از امام کاظم (علیه السلام)، حسن بصری از امام حسین (علیه السلام) دربارهٔ قضا و قدر پرسش کرده و حضرت در نامه‌ای که در پاسخ بدو نوشته، مبانی نظریهٔ «امر بین الامرین» را ارائه کرده است؛ البته این حدیث تنها در فقه الرضا (علیه السلام) بدون سند آمده (ص ۴۰۸ - ۴۰۹) و در منبع

دیگری تأیید نشده است. این حدیث منقول از حضرت که «خداوند طاقت کسی را نمی گیرد، مگر آنکه طاعتی را از او واگذارد، و نیروی کسی را نمی گیرد، مگر آنکه مشقتی را از او واگذارد» (ابن شعبه، ۲۴۶)، چکیده ای از نفی تکلیف به مالا یتطاق است.

رویکرد حضرت به قرآن کریم:

در نامه‌ای که امام حسین (علیه السلام) خطاب به بزرگان بصره نوشته، محور سخن آن است که «من شما را به سوی کتاب خدا و سنت پیامبر خدا فرامی‌خوانم» (طبری، ۳۵۱/۵؛ نیز نک: بلاذری، ۳۳۵/۲). در نقل دیگری آمده است که مسئله تحریف کلام خدا و فرونشاندن سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مهم‌ترین نگرانیهای آن حضرت بوده که وی را به قیام واداشته است (نک: ابن شعبه، ۳۴۰؛ ابن عساکر، ۱۴ / ۲۱۹؛ ابن طاووس، ۵۹). تحریف که در این حدیث به معنایی کاملاً نزدیک به کاربرد قرآنی آن به کار رفته (مائدة/۱۳/۵، ۴۱)، بازگرداندن معنای قرآنی به موضعی دور از موضع مقصود است. هم از این رو - ست که در روایات منقول از امام حسین (علیه السلام)، از بی‌مبنا و

بی علم سخن گفتن در معنای قرآن و مجادله کردن این باره پرهیز داده شده و این سخن نبوی گوشزد شده است که هرکس در قرآن به غیر علم سخنی گوید، جایگاه خود را در آتش باز می جوید (نک: ابن بابویه، التوحید، ۹۰).

مسئله فهم صحیح قرآن و بازگردان معانی آن به مواضع مقصود، در احادیث تفسیری منقول از امام (علیه السلام) مکرراً بازتاب یافته است، اما در آن میان جا دارد به سخنی از حضرت به هنگام واپسین خروج از مدینه اشاره کرد که نشان می دهد آن حضرت به شدت نگران فهم های نادرست از قرآن بوده است؛ آنجا که مطابق روایات، امام حسین (علیه السلام) این مضمون نبوی را بازگو کرده است: «قرآن ظاهرش خوش نما و باطنش ژرف است» (جامع ...، ۱۱۶؛ به نقل از پیامبر صلوات الله علیه و آله). کلینی، ۲/ ۵۹۹؛ عیاشی، ۳/ ۱؛ از امام علی (علیه السلام): نهج البلاغه، خطبه ۱۸؛ زمخشری، ۲/ ۲۵۷.

با وجود اندک بودن احادیث تعلیمی منقول از امام حسین (علیه السلام)، شمار نسبی احادیث تفسیری در آن میان قابل توجه است و این نشان می‌دهد که شخصیت حضرت به مثابه مفسر، در سده‌های متقدم شناخته بوده است. در منابع تفسیری، روایات مکرری دیده می‌شود که در آن امام حسین (علیه السلام) تفسیری را از پدر خود یا جدش رسول الله (صلی الله علیه و آله) نقل کرده (مثلاً نک: ثعلبی، ۲۰۵/۱، ۲۶۳/۱۰، ۲۷۸؛ ابن‌شاذان، ۱۲۳) و اینکه حتی در مواردی، از آن بزرگواران در تفسیر آیه‌ای پرسش کرده است (مثلاً نک: خزاز، ۱۵۷).

افزون بر آن، برخی از دیدگاه‌های تفسیری از خود آن حضرت نقل شده است که در نمونه‌های برجای مانده، به‌خصوص تأکید بر جایگاه اهل بیت (علیهم السلام) و نقد دشمنان ایشان در آن تفاسیر محوریّت دارد، اما عبارات مشکل قرآنی

نیز موضوع تفاسیر منقول از آن حضرت هست. به طور طبیعی، موضوع اهل بیت (علیهم السلام) بیشتر در احادیث منقول در آثار امامی، و دیگر موضوعات تفسیری بیشتر در آثار اهل سنت مورد توجه قرار گرفته است (برای نمونه‌هایی از مصداقیابی آیات درخصوص اهل بیت (علیهم السلام)، نک: برقی، ۳۴۴؛ فرات، ۵۶۳؛ طبرانی، المعجم الاوسط، ۱۸۲/۹؛ ابن بابویه، الخصال، ۴۳؛ ابن شهر آشوب، ۱/ ۲۹۸، ۲۰۷/۳؛ استرآبادی، ۵۴۵/۲، به نقل از ابن جحام؛ تفسیر «ناشئة اللیل»: سیوطی، ۶/ ۲۷۸؛ تفسیر «کهیعص»: قندوزی، ۲۰۲/۳. در روایتی نیز حضرت در نامه‌ای به اهل بصره، به تفسیر معنای «صمد» پرداخته است (نک: ابن بابویه، التوحید، همانجا؛ طبرسی، ۴۱۷/۱۰).

در منابع، در رابطه با چند آیه از قرآن کریم، قرائت خاصی نیز به امام حسین (علیه السلام) منتسب شده است (مثلاً نک: ابن خالویه، ص ۱۲۰، سطر ۱، ص ۱۶۲، سطر ۸، ص ۱۶۵، سطر ۱۱؛ ابن عطیه، ۵/ ۴۲۸؛ ابوحیان، ۵/ ۴۲۳، ۸/ ۴۹۸ و

برخی از قرائات میان آن حضرت با برادرش امام حسین
(علیه السلام) با تردید در ضبط روبه‌رو ست (مثلاً نک: ابن‌خالویه، ص ۸،
سطر ۸، ۱۲، ص ۴۲، سطر ۱۲، ص ۶۹ سطر ۶).

رویکرد حضرت به سنن و احکام:

پیش تر گفته شد که یکی از اصلی ترین عوامل قیام امام حسین (علیه السلام) دعوت به اقامه و احیای سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و مقابله با بدعت های ضد سنت بود (بلاذری، ۳۳۵/۲؛ طبری، ۳۵۷/۵؛ کوششها برای فرونشاندن سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، نگرانی مهم برای آن حضرت بود (نک: ابن شعبه، ۲۴۰؛ ابن عساکر، ۱۴ / ۲۱۹؛ ابن طاووس، ۵۹).

در حدیثی از امام حسین (علیه السلام)، از عالمان دین به عنوان امین بر حلال و حرام یاد شده است؛ این امانت وظایفی را نیز بر دوش آنان می نهد که از مهم ترین آنها دفع ظلم و

حمایت از ستمدیدگان است (نک: ابن شعبه، ۲۳۸؛ اسکافی، ۲۷۶، به نقل از امام علی (علیه السلام)). در همین راستا باید به حدیثی دیگر اشاره کرد که در آن، نقد و تعریض قرآن کریم بر احبار و ربانیین یهود، از آن روی دانسته شده است که امر به معروف و نهی از منکر خطاب به ستمگران را ترک گفته و به دنبال منافع دنیوی خود بوده‌اند (نک: ابن شعبه، ۲۳۷؛ اسکافی، ۲۷۴-۲۷۵، به نقل از امام علی (علیه السلام)). در سخنی منقول از حضرت به اهل عراق، تصویر این کسان دیده می‌شود: «آنان که بندگان مال دنیا هستند و دین ورد زبان آنها ست» (نک: ابن شعبه، ۲۴۵؛ ابوطالب، ۱۴۴؛ اربلی، ۲/۲۴۱؛ حلوانی، ۸۷؛ زمخسری، ۲/۳۰۰).

در سخنان حضرت — که هم در منابع تاریخی و هم حدیثی نقل شده — نهایت دوری از سنت نبوی آن است که «به حق عمل نمی‌شود و از باطل پرهیز نمی‌گردد» (نک: طبری، ۴۰۴/۵؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ۱۱۵/۳؛ قاضی نعمان، ۱۵۰/۳؛ ابن شعبه، همانجا؛ حلوانی، ۸۸؛ ابن شهر آشوب، ۲۲۴/۳؛ ابن عساکر،

۲۱۷/۱۴). در چنین شرایطی است که حضرت «مرگ را جز سعادت، و زندگی با ستمگران را جز ستوه» نمی بیند (نک: همانجاها). در همین راستای ترویج سنت نبوی، باید به شخصیت فقهی امام حسین (علیه السلام) اشاره کرد که او را نه تنها به عنوان یکی از ائمه امامیه که از ایشان فقه نقل می شود، بلکه برای اهل سنت نیز به مثابه یکی از فقهای صحابه مطرح ساخته است؛ به طوری که می توان افزون بر احادیث پرشمار منقول از طریق آن حضرت (مثلاً نک: احمد بن حنبل، ۲۰۱/۱ ب؛ بزار، ۱۸۵/۴ ب؛ ابوشیر، ۱۷ ب)، فتاوی نقل شده از وی را نیز در آثار فقهی و حدیثی اهل سنت بازجست (مثلاً نک: ابن ابی شیبہ، ۱۰۴/۱، ۱۱۳، جم؛ ابن منذر، ۲۲۲/۱، ۲۷۲/۳، ۲۸۷، ۱۲/۵، ۴۰۳). مضامین فقهی منقول از حضرت، عمدتاً در حوزه عبادات است و تنها احادیث محدودی در مباحث نکاح، بیع، دین، وصیت، و صید از آن حضرت نقل شده است (برای تدوینی از احادیث فقهی، نک: موسوعه ...، ۱۰۷-۱۶۴).

آموزه های اخلاقی حضرت:

در احادیث امام علی (علیه السلام) ، شکر و صبر به مثابه دو محور برای امتحان بندگان معرفی شده است (نک: نهج البلاغه، خطبه ۳؛ نیز مفید، الامالی، ۲۶۳) و این دو محور در احادیث منقول از امام حسین (علیه السلام) نیز به کرات مورد توجه قرار گرفته است. در حدیثی، آن حضرت به صبر به هنگام بلا و شکر به هنگام نعمت فراخوانده (ابن شعبه، ۲۴۶) و در حدیثی دیگر، شکر نعمت گذشته را مقتضی نعمتی آینده شمرده است (حلوانی، ۱۰). اما باید از استدراج بنده از سوی خداوند برحذر بود که براساس حدیثی از حضرت، همان است که خداوند نعمتها را بر بنده اش سرازیر سازد و توفیق شکر را از

او سلب کند (نک: ابن شعبه، همانجا). در همین راستا، دعایی از آن حضرت با این مضمون نقل شده است که «خدایا! مرا با نیکویی خود استدراج نفرما و مرا با بلا تأدیب مکن» (اربعی، همانجا؛ حلوانی، ۸۳؛ شهید اول، ۵).

افزون بر آنچه درباره صبر بر بلا نقل شد، در حدیثی از امام حسین (علیه السلام) به هنگام وداع با ابوذر، گفته می شود که «خیر در صبر است و صبر از کرامت است. ناشکیبایی را باید وانهاد که ناشکیبایی به کار تو نخواهد آمد» (کلینی، ۲۰۶/۱). در حدیثی دیگر گفته می شود: «بر آنچه مکروه می داری صبر کن، آنجا که حق ملازم تو ست؛ و از آنچه دوست می داری صبر کن، آنجا که هوای نفس تو را می خواند» (حلوانی، ۸۵؛ از امام جواد (علیه السلام) ابن حاتم، ۷۱۴). در این حدیث مشخصاً از دو نوع صبر سخن رفته که دومی از مقوله پرهیز و خودداری است. مسئله گناه نیز از موضوعات مورد توجه در

احادیث اخلاقی امام حسین (علیه السلام) است. در حدیثی، حضرت به نقد کسانی می پردازد که نگران گناهان دیگران هستند، ولی درباره گناهان خود آرام اند و خود را از عذاب ایمن می شمارند (ابن شعبه، ۲۴۰؛ کلینی، ۴۹/۱، نقل از ابی عبدالله (علیه السلام)).

این آموزه اهل بیت (علیهم السلام) که گناه نکردن بهتر از عذرآوردن است، در حدیثی از امام حسین (علیه السلام) چنین بازتاب یافته است که «از پوزش برحذر باش؛ مؤمن بدی نمی کند تا پوزش بخواهد و منافق هر روز در بدی کردن و پوزش خواستن است» (ابن شعبه، ۲۴۱). در حدیثی از حضرت، اشاره می شود گناهی هست که عذر از آنها بدتر از اصل خطاست؛ امام (علیه السلام) این سخن را هنگامی فرمود که به وی خبر دادند عبدالله بن عمرو بن عاص بابت نقشی که در جنگ صفین ایفا کرده، عذر خواسته است (حلوانی، ۱۳؛ دیلمی، ۲۹۸؛ ابن حمدون، ۴/۱۱۳).

موضوع ستیز با ظلم و جور که یکی از محورهای اصلی قیام امام حسین (علیه السلام) بود، در احادیث آن حضرت نیز بازتاب دارد؛ از جمله در حدیث آخرین وصیت آن حضرت خطاب به فرزندش امام سجاد (علیه السلام) آمده است که «از ستم به کسی برحذر باش که جز خدا یاوری در برابر تو ندارد» (کلینی، ۳۳۱/۲؛ ابن بابویه، الامالی، ۲۴۹، النخصال، ۱۶؛ ابن شعبه، ۲۴۶).

براساس روایات، امام حسین (علیه السلام) یادآور می شود که «نیاز مردم به شما نعمتی از خداوند برای شما ست، پس از نعمتها ملول نشوید که مستوجب خشم ال‌هی گردید» (اریلی، ۲۳۹/۲؛ حلوانی، ۸۱؛ دیلمی، شهید اول، همانجاها؛ صالحی، ۱۱/۱۷۸؛ ابن حمدون، ۱۰۲/۱؛ ابن سعید، ۶۳؛ از امام علی (علیه السلام)؛ خوارزمی، ۳۶۹)، آموزه‌ای که بعدها از سوی برادرش محمد بن حنفیه (ابن عساکر، ۳۳۲/۵۴)، رجالی از زهاد مانند فضیل بن عیاض

(همو، ۴۳۱/۴۸)، و برخی از خطبا نیز تکرار شده است (نک: همو، ۱۴۱/۱۶، ۱۴۲). در همین راستا، حدیث دیگری است با این مضمون که «هرکس بخشش تو را بپذیرد، تو را بر کریم بودن یاری رسانده است» (نک: حلوانی، ۸۳؛ شهید اول، همانجا؛ ابن حمدون، ۲۶۲/۲؛ از امام علی (علیه السلام) ابن ابی الحدید، ۳۴۳/۲۰). در حدیثی از حضرت آمده است: «آن کس که بخشش کند، سروری یابد و آن کس که بخل ورزد خوار شود؛ همانا بخشنده ترین مردم کسی است که به کسی بخشش کند که انتظار آن را ندارد» (نک: اربلی، صالحی، همانجاها؛ حلوانی، ۸۱؛ ابن حمدون، ۱۰۲/۱)، آموزه ای که از سوی خطبای پسین نیز تکرار شده است (مثلاً نک: ابن عساکر، همانجا).

براساس یک روایت، فردی نزد حضرت مدعی شد که بخشش اگر به غیر اهلش باشد، ضایع خواهد شد، اما حضرت با آن مخالفت کرد و یادآور شد که «بخشنده گی مانند بارش

باران است که نیکوکار و بدکار را فرومی گیرد» (نک: ابن شعبه، ۲۴۵-۲۴۶).

رابطه برادری دینی، از جمله مسائلی است که در احادیث حضرت بدان پرداخته می شود. در همین راستا ست که حضرت به گونه های مختلف برادران دینی اشاره می کند و پایدارترین برادری را آن گونه ای می شمارد که برای هر دو سوی رابطه سودبخش باشد (نک: ابن شعبه، ۲۴۷)؛ براساس حدیثی دیگر، «هرکس پیشاپیش برای برادرش خیری بخواهد، فردا که نزد او آید، آن را نزد وی بیابد» (نک: حلوانی، ۸۲؛ اربلی، صالحی، ابن حمدون، همانجاها). رابطه متقابل میان برادران دینی در سطحی بس وسیع تر از رابطه دوطرفه نیز در احادیث وی قابل پی جویی است؛ از جمله در سخنی منقول از حضرت آمده است: «کسی که به دنبال عیب جویی احدی نباشد، به هنگامی که از او عیب جویند، کسی را بیابد که به دفاع از او برخیزد» (نک: حلوانی، ۸۰). در راستای

استوار ساختن رابطه های اجتماعی، آداب سلام و تحیت مکرراً در احادیث حضرت بازتاب دارد. در حدیثی گفته می شود که «سلام را ۷۰ نیکویی است که یکی برای جواب دهنده و ۶۹ برای آغاز کننده است» (ابن شعبه، ۲۴۸). این آموزه نبوی که «بخیل آن است که بر سلام بخل ورزد» (طبرانی، المعجم الاوسط، ۳/۳۵۵، ۵/۳۷۱؛ مفید، الامالی، ۳۱۷)، از سوی امام حسین (علیه السلام) تکرار شده است (ابن شعبه، همانجا). همچنین این کلام نبوی که «سلام بیش از هر کلامی است» (ترمذی، ۵/۵۹)، در کلام امام حسین (علیه السلام) بازگو شده است، آن زمان که کسی در ملاقات با حضرت، پیش از سلام برای او طلب عافیت کرده است (ابن شعبه، ۲۴۶). حتی حضرت به بهانه حسن تحیت، کنیزی را آزاد کرده است (حلوانی، ۱۳).

آموزه های اخلاقی امام حسین (علیه السلام)، به طور مستقل در دو اثر با عنوانهای الاخلاق الحسینیة از جعفر بیاتی (نشر انوار

المهدی، ۱۴۱۸ ق) و من اخلاق الامام الحسین (علیه السلام) از عبدالعظیم مهتدی بحرانی (چ قم، ۱۴۲۱ ق/۲۰۰۰ م) بررسی شده است.

مأخذ:

ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغة، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۷۹ ق / ۱۹۵۹ م؛ ابن ابی شیبہ، عبدالله، المصنف، به کوشش کمال یوسف حوت، ریاض، ۱۴۰۹ ق؛ ابن بابویه، محمد، الامالی، قم، ۱۴۱۷ ق؛ همو، التوحید، به کوشش هاشم حسینی تهرانی، تهران، ۱۳۸۷ ق/۱۹۶۷ م؛ همو، الخصال، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، ۱۳۶۲ ش؛ همو، علل الشرائع، نجف، ۱۳۸۵ ق/۱۹۶۶ م؛ همو، معانی الاخبار، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، ۱۳۶۱ ش؛ ابن حاتم عاملی، یوسف، الدر النظیم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی؛ ابن حمدون، محمد، التذکره الحمدونیة، به کوشش

احسان عباس و بکر عباس، بیروت، ۱۴۱۷ ق؛ ابن خالویه، حسین، مختصر فی شواذ القرآن، به کوشش گ. برگشترسر، قاهره، ۱۹۳۴ م؛ ابن سعید مغربی، علی، المقتطف، به کوشش عبدالعزیز اهوانی، قاهره، ۱۴۲۵ ق؛ ابن شاذان، محمد، مائه منقبه، قم، ۱۴۰۷ ق؛ ابن شعبه، حسن، تحف العقول، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۷۶ ق؛ ابن شهر آشوب، محمد، مناقب آل ابی طالب، نجف، ۱۳۷۶ ق؛ ابن طاووس، علی، اللهوف، قم، ۱۴۱۷ ق؛ ابن عربی، محیی الدین، الفتوحات المکیه، بولاق، ۱۲۹۳ ق؛ ابن عساکر، علی، تاریخ مدینه دمشق، به کوشش علی شیری، بیروت/ دمشق، ۱۴۱۵ ق/ ۱۹۹۵ م؛ ابن عطیه، عبدالحق، المحرر الوجیز، به کوشش عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت، ۱۴۱۳ ق / ۱۹۹۳ م؛ ابن منذر، محمد، الاشراف، به کوشش صغیر احمد انصاری، رأس الخیمه، ۱۴۲۵ ق / ۲۰۰۴ م؛ ابوشیر دولابی، محمد، الذریه الظاهره، به کوشش محمدجواد حسینی جلالی، قم، ۱۴۰۷ ق؛ ابوحیان غرناطی، محمد، البحر المحیط، به کوشش عادل احمد عبدالوجود و دیگران، بیروت، ۱۴۲۲ ق/ ۲۰۰۱ م؛ ابوطالب هارونی، یحیی، الامالی (تیسیر المطالب)، تحریر جعفر بن احمد بن عبدالسلام، به کوشش یحیی عبدالکریم فضیل، بیروت، ۱۳۹۵ ق/ ۱۹۷۵ م؛ احمد بن حنبل، مسند، قاهره، ۱۳۱۳ ق/ ۱۸۹۵ م؛

اربلی، علی، کشف الغمّة، بیروت، ۱۴۰۵ ق/ ۱۹۸۵ م؛ استرابادی، علی، تأویل الآیات الظاهرّة، قم، ۱۴۰۷ ق؛ اسکافی، محمد، المعیار و الموازنّة، به کوشش محمدباقر محمودی، بیروت، ۱۴۰۲ ق/ ۱۹۸۱ م؛ برقی، احمد، المحاسن، به کوشش جلال الدین محدث ارموی، تهران، ۱۳۳۱ ش؛ بزار، احمد، المسند (البحر الزخار)، به کوشش محفوظ الرحمان زین الله، بیروت/ مدینه، ۱۴۰۹ ق/ ۱۹۸۸ م؛ بلاذری، احمد، انساب الاشراف، به کوشش سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، ۱۴۱۷ ق/ ۱۹۹۶ م؛ ترمذی، محمد، سنن، به کوشش احمد محمد شاکر و دیگران، قاهره، ۱۳۵۷ ق/ ۱۹۳۸ م بب ؛ ثعلبی، احمد، الکشف و البیان، به کوشش ابومحمد ابن عاشور، بیروت، ۱۴۲۲ ق/ ۲۰۰۲ م؛ جامع الاخبار، منسوب به محمد بن محمد شعیری، به کوشش علاء آل جعفر، قم، ۱۴۱۱ ق؛ حلوانی، حسین، نزّه الناظر، قم، ۱۴۰۸ ق؛ خزاز قمی، علی، کفایه الاثر، قم، ۱۴۰۱ ق/ ۱۹۸۱ م؛ خوارزمی، موفق، المناقب، به کوشش مالک محمودی، قم، ۱۴۱۱ ق؛ دیلمی، حسن، اعلام الدین، قم، ۱۴۰۸ ق؛ زمخشری، محمود، ربیع الابرار، به کوشش عبدالامیر مهنّا، بیروت، ۱۴۱۲ ق؛ سیوطی، الدر المنثور، قاهره، ۱۳۱۴ ق؛ شهید اول، محمد، الدرّة الباهرّة، به کوشش جلال الدین علی صغیر، بیروت، ۱۹۹۳ م؛ صالحی شامی، محمد، سبل

الهدی و الرشاد، به کوشش عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت، ۱۴۱۴ ق/ ۱۹۹۳ م؛ طبرانی، سلیمان، المعجم الاوسط، به کوشش طارق بن عوض الله و عبدالمحسن بن ابراهیم حسینی، قاهره، ۱۴۱۵ ق/ ۱۹۹۵ م؛ همو، المعجم الکبیر، به کوشش حمدی عبدالمجید سلفی، موصل، ۱۴۰۴ ق/ ۱۹۸۳ م؛ طبرسی، فضل، مجمع البیان، به کوشش گروهی از محققان، بیروت، ۱۴۱۵ ق؛ طبری، تاریخ؛ عیاشی، محمد، التفسیر، تهران، ۱۳۸۰-۱۳۸۱ ق؛ فرات کوفی، تفسیر، به کوشش محمدکاظم، تهران، ۱۴۱۰ ق؛ فقه الرضا (علیه السلام)، مشهد، ۱۴۰۶ ق؛ قاضی نعمان، شرح الاخبار، به کوشش محمدحسینی جلالی، قم، جامعه مدرسین؛ قرآن کریم؛ قندوزی حنفی، سلیمان، ینابیع الموده، به کوشش علی جمال اشرف حسینی، قم، ۱۴۱۶ ق؛ کراجکی، محمد، کنز الفوائد، چ سنگی، تبریز، ۱۳۲۲ ق؛ کلینی، محمد، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۹۱ ق؛ مفید، محمد، الامالی، به کوشش حسین استادولی و علی اکبر غفاری، قم، ۱۴۱۳ ق؛ همو، اوائل المقالات، به کوشش زنجانی و واعظ چرندابی، تبریز، ۱۳۷۱ ق؛ موسوعه کلمات الامام الحسین (علیه السلام)، بیروت، ۱۴۱۶ ق/ ۱۹۹۵ م؛ نهج البلاغه.

پایان

نسخه حاضر در قالب کتابچه طراحی شده است اما از آنجا که بر اساس اصل مدخل صفحه آرایي نشده است در رفرنس دادن به این کتابچه خود داری کنید.^۱

^۱. تهیه و تنظیم توسط تیم ادمین کانال آموزشی غیر رسمی دکتر احمد پاکتیچی: